



قدرت نرم آمریکا در جهان اثر خود را از دست داده است

کارشناسان آمریکایی معتقدند قدرت نرم و سیاست های وزارت خارجه آمریکا در جهان دیگر اثربخش نیستند و این قدرت سخت این کشور است که نارسایی های قدرت نرم را جبران می کند و کاهش بودجه وزارت خارجه آمریکا را تصمیمی صحیح و منطقی ارزیابی کرده اند.

کارشناسان آمریکایی معتقدند قدرت نرم و سیاست های وزارت خارجه آمریکا در جهان دیگر اثربخش نیستند و این قدرت سخت این کشور است که نارسایی های قدرت نرم را جبران می کند و کاهش بودجه وزارت خارجه آمریکا را تصمیمی صحیح و منطقی ارزیابی کرده اند.

به گزارش خبرنگار دیپلماسی عمومی و جنگ نرم خبرگزاری فارس، "کن آدلن" سیاستمدار و کارشناس سیاسی آمریکایی در مقاله ای تحت عنوان "قدرت هوشمند ناچیز" در نشریه "فارین پالیسی" به انتقاد از مقاله "جنگ بر سر قدرت نرم" جوزف نای پرداخته و می نویسد: جوزف نای همانند طرز فکرش و خدمتش به مردم استعداد زیادی در ایجاد علائم تجاری دارد. او "قدرت نرم" را که یکی از اجزای اصلی "قدرت هوشمند" است به یک علامت تجاری طلائی تبدیل کرد. این گونه بود که جوزف نای در سال 2007 میلادی ریاست کمیسیون دوحزی قدرت نرم را به عهده گرفت. اما کنگره آمریکا در هفته گذشته اقدام به کاهش بودجه قدرت نرم وزارت خارجه این کشور کرده است.

* کشورهای خارجی فقط پول آمریکا را می خواهند و اهمیتی به سیاست های آمریکا نمی دهند

در اینکه جنبه های مهم سیاست خارجی آمریکا یعنی کمک های مالی توسعه، برنامه های تبادل دانشجویان و دیپلماسی، نرم هستند شکی نیست اما آیا آنها جزئی از قدرت به شمار می آیند؟ اگر اینگونه نیست پس آیا هوشمند هستند؟ جوزف نای معتقد است کاهش بودجه سازمان توسعه بین الملل وزارت خارجه آمریکا خسارت شدیدی به سیاست خارجی آمریکا وارد خواهد کرد و از قدرت تأثیر و نفوذ آمریکا در رویدادهای خارجی خواهد کاست. این گفته به نظر صحیح و عمیق می باشد. اما با توجهی عمیق تر متوجه خواهیم شد حرفی سطحی است. در تحقیقی که در سال 1981 به منظور ارزیابی ارتباط کمک های مالی آمریکا و وضعیت سیاست خارجی آمریکا صورت گرفت مشخص شد با وجود هزینه ها و کمک های مالی فراوانی که آمریکا به کشورهای مختلف کرده است اما هیچ کدام منافع آمریکا را تأمین نکرده است.

کشورهایی نظیر مصر و پاکستان که کمک های مالی فراوانی از آمریکا دریافت می کردند به ارزش ها و سیاست های آمریکا اهمیتی نمی دادند و فرقی با کشورهای که این کمک را دریافت نمی کردند نداشتند. در عوض بیشتر همسو با ارزش های کشورهای نظیر کوبا که سهم زیادی در اعطای کمک های مالی خارجی نداشت بودند. این مساله که در آن زمان تعجب برانگیز بود هنوز هم حقیقت دارد. چهار کشور مصر، اسرائیل، پاکستان و افغانستان که بزرگ ترین دریافت کنندگان کمک های مالی خارجی آمریکا هستند همگی موضع مخالفی با کاخ سفید در خصوص مشکلات مهم می گیرند.

* هرچه کمک های مالی آمریکا بیشتر می شود، تأثیرگذاری این کشور در جهان کمتر می شود.

آنچه از شواهد و مدارک پیداست این است که توانایی آمریکا در تأثیرگذاری مثبت رویدادهای خارجی و مقدار کمک های مالی ای که یک کشور دریافت می کند کاملاً نامشخص است. آمریکا دهه هاست که حرف اول را در کمک های مالی خارجی به کشورهای فقیر را می زند اما این بدان معنی نیست که در تأثیر گذاری و نفوذ در کشورها نیز حرف اول را بزند. بلکه دقیقاً برعکس آن صادق است.

* سرمایه آمریکا در جیب اسرائیلی ها می رود اما همواره از سیاست آمریکا انتقاد می کنند

حتی اسرائیل نیز که بیشترین کمک های مالی آمریکا را به خود اختصاص داده در مسایل مهمی مثل مساله صلح دائماً به انتقاد و مخالفت با آمریکا پرداخته است. علاوه بر این، نظرسنجی ها در اسرائیل حاکی از درصد پائین مقبولیت رئیس جمهور آمریکا در این کشور است.

* کاهش بودجه وزارت خارجه هیچ تأثیر منفی ای در سیاست خارجی آمریکا ندارد

با این حال آنچه مشخص است این است که اگر کنگره بودجه سازمان توسعه بین الملل وزارت خارجه را کاهش یا قطع کند هیچ

تأثیری در سیاست خارجی و ضریب نفوذ آمریکا در دنیا نخواهد داشت. به بیانی دیگر کمک های خارجی آمریکا که سالیانه حدود 30 میلیارد دلار است هیچ تأثیری در سیاست خارجی آمریکا ندارد. دلیل این امر به جنبه های خاصی از طبیعت انسان ها برمیگردد. هدیه دادن به دیگران باعث قدردانی آنها خواهد شد. دادن هدیه برای بار دوم میزان قدردانی را کمتر خواهد کرد و بار سوم تبدیل به عادت می شود و از آن پس با کوچک ترین کاهش هدیه ها، باعث رنجش و غضب خواهد شد و حس قدردانی از بین می رود.

* کمک های مالی خارجی آمریکا هیچ کمکی به توسعه کشورها نکرده است.

اما طرفداران قدرت نرم معتقدند کمک های خارجی برای قدردانی از آمریکا نیست بلکه برای کمک به توسعه اقتصادی در سراسر دنیا است. اما همین دیدگاه نیز نتیجه ای در بر نداشته است. آیا کشورهایی که طی 50 سال گذشته از کمک های مالی خارجی آمریکا استفاده کرده اند به آن اندازه که باید پیشرفت کرده اند؟ یکی از کاستی های کمک های خارجی پیشین این بوده است که به دولت ها اعطا شده باعث ایجاد فساد در آنان می شده است. بعلاوه اینکه دولت ها نمی توانند باعث توسعه رفاه، ثروت و توسعه اقتصادی شوند اما بخش خصوصی از عهده این کار می تواند بر بیاید. در دنیایی که نیاز به کمرنگ شدن حضور دولت در فعالیت های اقتصادی دیده می شود، با کمک های مالی خارجی بیش از پیش باعث پر رنگ تر شدن حضور دولت ها می شویم.

* اوسامه بن لادن از دانشجویان تبادل بوده است

وضعیت دیگر عناصر قدرت نرم چه می شود؟ به کارگیری برنامه های تبادل دانشجویی در قدرت نرم محسوب می شود و باید از آنها حمایت کرد. اما وقتی متوجه شویم اوسامه بن لادن سرکرده طالبان یکی از دانشجویان تبادل در دانشگاه کلرادو بوده است، نسبت به این برنامه بدبینی به وجود می آید. محمد عطا نیز که حملات 11 سپتامبر را مدیریت و طرح ریزی کرد یک دانشجوی تبادل در آلمان بوده است. اگرچه این دو نفر جزو استثنائات هستند با این وجود اثر منفی بر برنامه های تبادل دانشجویی می گذارند.

* قدرت نرم آمریکا در حوادث اخیر مصر هیچ حضوری نداشت

حقیقت این است که بسیاری از برنامه های تبادل مؤثر از محل بودجه های قدرت سخت سرچشمه می گیرند نه از قدرت نرم. نمونه بارز آن به آشوب ها و انقلاب مصر است که هر روز خبرهایی از همکاری ارتش آمریکا با ارتش مصر برای حفظ و برقراری صلح و آرامش در مصر منتشر می شود. سران ارشد پنتاگون از بالاترین رده تا پایین ترین آنها روزانه با هم تانایان مصری و همکاران خود در آکادمی های ارتشی در ارتباط بودند و خواستار اقدامات مسوولانه تری از آنان بودند. البته مشخص نیست که آیا این ارتباطات به بیرون راندن حسنی مبارک ارتباطی داشت یا نه اما در پایان تأثیر مثبت و موفقیت آمیزی داشتند و الگویی کاملی از توانایی تأثیرگذاری مثبت آمریکا در رویدادهای خارجی به نمایش گذاشته شد. این در حالی است که هیچ خبری از فعالیت های مشابه از سوی سردمداران قدرت نرم آمریکا با مصری ها شنیده نشد.

* قدرت سخت آمریکا باعث افزایش نفوذ و اعتبار این کشور در جهان شده است

حتی جوزف نای نیز اذعان کرده که خط جداکننده قدرت نرم و قدرت سخت تار و نامشخص است. با این حال قدرت سخت یا همان قدرت نظامی آمریکا بیشتر از قدرت نرم این کشور یعنی دیپلماسی یا کمک های مالی خارجی، باعث افزایش اعتبار آمریکا در سطح بین المللی و ترقی ضریب نفوذ آمریکا در رویدادهای خارجی شده است و تمایز میان قدرت سخت و نرم را از بین برده است. واکنش سریع و مؤثر نیروی دریایی آمریکا در سونامی سال 2004 اقیانوس هند، کمک رسانی در سیل پاکستان و تلاش های آن در ژاپن بسیار عالی و باشکوه بوده است. کدام یک از قدرت های نرمی که جوزف نای سعی در ابقای آنها دارد می توانستند چنین کاری را انجام دهد؟

* وزارت خارجه عملکرد بسیار ضعیفی در رویدادهای خارجی دارد

علاوه بر این مهم ترین سازمان قدرت نرم آمریکا یا همان وزارت خارجه، ضعیف تر و نرم تر از آن است که بتواند مؤثر واقع شود. به عنوان مثال وزارت خارجه پیش از آغاز هرگونه برنامه دموکراسی برای مصر، با درخواست دولت مبارک مبنی بر پذیرش و تأیید آن دولت موافقت کرد. به بیانی دیگر، این سازمان متولی قدرت نرم پذیرفت که هرگونه برنامه ضد دیکتاتوری آمریکا در وهله نخست مورد پذیرش دیکتاتور باشد.

* مشخص نیست وزارت خارجه بودجه خود را در كجا صرف مي كند

روزنامه "واشنگتن پست" نیز اخیراً به انتقاد از وزارت خارجه پرداخته و عنوان کرده است که وزارت خارجه در اختصاص منابع مالی برای اجرای برنامه هایی تحت عنوان "آزادی" ناتوان است و یا تمایلی برای انجام این کار ندارد. کنگره در سال مالی 2010 بودجه ای 30 میلیون دلاری به "آزادی اینترنت" اختصاص و آن را در اختیار وزارت خارجه آمریکا قرار داد. اما باگذشت 16 ماه هنوز این سرمایه برای این منظور صرف نشده است.

* وزارت خارجه از کمک به مردم کشورهای آزادی خواه خودداری می کند

وزارت خارجه هیچ تمایلی به کمک به مردم آزادی خواه ایران، لیبی و سوریه ندارد. این مساله بسیار مشهود است و نیاز به تأمل ندارد. وزارت خارجه نباید ترسی از صدمه زدن به دولت این سه کشور داشته باشد زیرا این دولت ها بیشتر از آنچه با مردم خود دشمنی و خصومت دارند نمی توانند نسبت به آمریکا داشته باشند. راهبردی کنونی وزارت خارجه آمریکا نباید صرفاً قدرت نرم باشد و این وزارت باید از "تفکر نرم" نیز استفاده کند. برای مثال راهبرد "دفاع - دیپلماسی - توسعه" کلینتون در بخش توسعه بسیار ضعیف عمل می کند. آمریکا نمی تواند تا ابد مسوول توسعه یک کشور دیگر باشد. کشورها می توانند از راهبردهایی نظیر مالیات پایین، حفاظت قانونی اموال خصوصی، محدود کردن دولت، زیساخت های نوین و مبارزه با فساد برای عبور از فقر به رفاه استفاده کنند اما وزارت خارجه آمریکا نمی تواند انجام صحیح آنها را تضمین کند. جوزف نای شخص بسیار خوبی است و برای آمریکا کارهای بزرگی انجام داده است و مطمئنم او نیز تفکر نوین امروزی را به زودی با آغوش باز خواهد پذیرفت.

* قدرت سخت ناکارآمدی قدرت نرم را جبران کرده است.

در اینکه اهداف قدرت نرم وزارت خارجه و سازمان توسعه بین الملل آمریکا در خصوص دیپلماسی، کمک های مالی خارجی، برنامه های تبدیلی و شبیه آن شگرف و بزرگ هستند و اهداف صحیحی را دنبال می کنند و از سوی دیگر اهداف قدرت سخت به عکس اهداف نادرستی را دنبال می کنند اما آنچه از شواهد و مدارک پیداست قدرت سخت نسبت به قدرت نرم تأثیر مثبت و بیشتری در پیشبرد اهداف آمریکا داشته است.